

حزب توده ایران برای جلوگیری از تهاجم امپریالیسم و فروختن آتش جنگ خانمانسوز در میهن ما خواهان پایان دادن به فعالیت های اتمی رژیم "ولایت فقیه" است.

کارگران همه کشورها متحد شوید!



شماره 11 ، 14 مرداد ماه 1391

احمد قره باغی

از ادعا تا واقعیت

علی خامنه ای "ولی فقیه" رژیم درباره تحریم اقتصادی کشور ما به علت در پیش گرفتن سیاست ماجراجویانه در جهت فعالیت های اتمی می گوید: "ایران به واسطه تحریم های اخیر واکسینه شده است." (خبرگزاری مهر 91/4/12)

البته چنین برخوردی برای منحرف ساختن افکار عمومی درباره تاثیر تحریم های اقتصادی بر اقتصاد کشور ما، یا از عدم درک مضمون استقلال اقتصادی است و یا از عدم شناخت امپریالیسم و ماهیت عملکرد و سیاست نواستعماری آن نشات می گیرد. این برخورد، وابستگی های اقتصادی و صنعتی و کشاورزی کشور ما به انحصارهای فراملیتی را نادیده گرفته و این طور وانمود می سازد که تحریم های اقتصادی، صنعتی، بازرگانی، پولی و مالی علیه ایران اثری بر وضع اقتصادی و اجتماعی کشور ندارد و حتی این تحریم ها رژیم را قوی تر می کند. ولی واقعیات موجود جامعه عکس این ادعا را شهادت می دهد.

واقعیت این است که کشور ما در زمینه واردات کالای مصرفی و پایه ای و قطعات و مصالح مورد استفاده صنایع مونتاژ کشور مثل خودروسازی و یخچال و تلویزیون و غیره وابستگی های اقتصادی و صنعتی فراوانی به امپریالیسم دارد و عوامل این وابستگی در کشور ما سرمایه تجاری است که بخش تعیین کننده تجارت خارجی کشور ما با کشورهای امپریالیستی را در انحصار دارد و تمام عرصه اقتصادی کشور ما را قبضه کرده و خون ملت ایران را مانند زالو می مکند و ثروتهای ملی ما را چپاول می کنند. این یکی از عمده ترین پایگاه های غارت امپریالیستی در میهن ما است که به علت خیانت سران رژیم و روحانیون حاکم به سرکردگی خمینی به اهداف انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی مردم ایران و سازش با تجار بزرگ غارتگر و بزرگ مالکان این پایگاه غارت بازماندگان طبقات ارتجاعی رژیم وابسته شاه در ایران که پس از انقلاب به جا ماند و کشور ما را از زیر سلطه وابستگی امپریالیست ها خارج نساخت.

در صفحات دیگر:

از ادعا تا واقعیت	در ص 1
از ایران چه خبر	در ص 3
چوب واقعیت بر سر روحانیون حاکم فرود آمد	در ص 3
از محسنات "ولایت فقیه"	در ص 4
نه بر مرده بر زنده باید گریست	در ص 4

درباره وابستگی اقتصادی کشور ما به امپریالیسم باید بگوئیم که در دوران رژیم ضد ملی شاه، ساواک وابستگی اقتصادی کشور ما به امپریالیسم فراگیر بود. واحدهای صنعتی کشور ما از بزرگ و کوچک یا کاملاً در اختیار امپریالیسم قرار داشت، مثل صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، مس و آلومینیوم و یا این که بصورت صنایع مونتاژ زاید ای از اقتصاد امپریالیستی در تجدید تولید انحصارهای فراملیتی بود. در این رابطه بخش مهمی از اقتصاد کشاورزی کشور ما بصورت موسسات بزرگ کشت و صنعت در دست شرکت های خارجی بود. مقاطعه های بزرگ ساختمان های راه و سد سازی و تولید انرژی و مخابرات در اختیار شرکت های خارجی بود. همچنین قطعات و لوازم وسائط حمل و نقل هوایی و دریایی در وابستگی تام و تمام انحصارات خارجی قرار داشت. افزون بر این ارتش و تسلیحات ارتش هم در بست در اختیار انحصارهای امپریالیستی بود.

لازم به یادآوری است که پس از پیروزی انقلاب بهمن 57 مبارزه بر سر مسائل اقتصادی میان دو گرایش در جامعه ایران پدیدار گردید. مبارزه حزب توده ایران از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب، برای ایجاد یک دگرگونی همه جانبه در جامعه و مبارزه برای پایان دادن به سلطه امپریالیسم و ریشه کن ساختن وابستگی اقتصادی میهن ما به امپریالیسم در جهت تامین استقلال اقتصادی بود.

در زمینه مبارزه میان دو گرایش باید یادآور شد، در آن مرحله از انقلاب، دولت موقت نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال که می خواست در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت بار سرمایه داری وابسته رژیم شاه را ادامه دهد. در نتیجه افشاکاری ها و مبارزه پیگیر حزب توده ایران و نیروهای مردمی انقلاب برای پایان دادن به وابستگی و تسلط امپریالیسم بر میهن ما و بویژه اسناد افشاگرانه ای که دانشجویان مسلمان پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران درباره توطئه و نقش سرمایه داری لیبرال در زمینه هموار ساختن راه بازگشت وابستگی کشور ما به امپریالیسم منتشر کردند. دولت لیبرال ها از حاکمیت دولتی برکنار شد. بعد از آن نیروهای مذهبی راست گرا و ارتجاعی و هواداران غارتگری بی بندوبار سرمایه داری و طرفداران سلطه بخش خصوصی بر بخش دولتی و تعاونی در حاکمیت مانند گروه ها و دارودسته های مذهبی مولفه، رسالت، حقیقه، تحت حمایت خمینی با بهره گیری از فتوای روحانیون مدافع نظام سرمایه داری، بدون هیچ

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

گذشتگی در راه دفاع از میهن می‌زمیند با زدن برچسب تهمت و افترا به جوخه‌های اعدام‌سپردند که خاطره جاودان آنها در نزد مردم میهن ما تا به ابد زنده خواهد ماند.

پس از یورش وحشیانه رژیم به حزب توده ایران و نیروهای مترقی و انقلابی، میدان برای جولاندهی نیروهای ارتجاعی و قشری طرفدار نظام سرمایه‌داری زیرپوشش اسلامی و ادامه غارتگری بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و تحکیم سلطه امپریالیسم بر میهن ما هموار گردید.

روحانیون حاکم با درپیش گرفتن سیاست ترور و اختناق و ادامه جنگ خانمانسوز عملاً در سمت‌گیری مخرب نسبت به ضروریات انقلاب و دگرگونی بنیادی اجتماعی قرار گرفتند و با این سمت‌گیری و نگاه‌داری نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی همه وابستگی‌های اقتصادی کشور ما به امپریالیسم به صورت سابق باقی ماند و روند گسترش انقلاب میهن ما در جهت استقلال همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی با شکست روبرو گردید.

این عملکرد خائنانه سران رژیم و روحانیون حاکم در واپس ماندگی اقتصادی-اجتماعی کشور ما نقش مهلکی داشت و وضع دشوار و بغرنج کنونی ناشی از موضع‌گیری نیروهای ارتجاعی و قشری در حاکمیت رژیم است.

بنابراین آنچه که امروز در کشور ما می‌گذرد بیانگر ژرفای وابستگی رژیم به انحصارهای امپریالیستی است و تعمیق این وابستگی پس از انقلاب محصول خیانت سران رژیم و روحانیون حاکم و در راس آنها خمینی، به مصالح عالی کشور ما و خلق ماست.

در لحظه کنونی رژیم "ولایت فقیه" به موازات یک رشته تحریم‌های اقتصادی، صنعتی، بازرگانی، پولی و مالی، از جمله قطع صدور کالاهای مورد نیاز به ایران که بالغ بر 6 هزار قلم کالا می‌شود و مسدود شدن سپرده‌های ارزی کشور و امتناع از خرید نفت ایران به علت اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از طرف کشورهای اروپایی و ژاپن و دیگر کشورها، از یک سو با دشواری بسیار دست به گریبان است، از سوی دیگر با فشارهای روزافزون اقتصادی روبروست. در این زمینه مسئله نفت حساس‌ترین مسئله رژیم است که این مسئله موجب دغدغه خاطر روحانیون حاکم شده است. زیرا عمده‌ترین درآمد ایران از صدور نفت تأمین می‌شود و فروش نفت نسبت به کل درآمد ایران 70 درصد درآمد ایران را تأمین می‌کند که با ورود کالاهای خارجی به کشور ده‌ها میلیارد دلار، درآمد نفت به گاو صندوق‌های انحصارهای فراملیتی منتقل می‌گردد. به نوشته روزنامه آلمانی "کلن اشتات انسایگر" 2012/7/4، در حال حاضر تقلیل صدور نفت ایران در وهله نخست به کاهش درآمد ارزی رژیم بمیزان حدود 20 درصد از محل فروش نفت منجر شده است.

در شرایطی که رژیم "ولایت فقیه" با بحران اقتصادی و مالی روبروست، تولید صنعتی و کشاورزی کشور ما در ابتدایی‌ترین سطح قرار دارد. میلیون‌ها انسان در ایران بیکارند و گرانی و فقر و بی‌خانمانی جامعه را فرا گرفته است و ادامه فشارهای اقتصادی آمریکا و متحدانش بر ایران، وضع اقتصادی ایران را مانند خوره از درون ضعیف و ناتوان خواهد ساخت و زمینه برای اقدامات و توطئه‌های امپریالیسم آماده‌تر خواهد شد. در چنین اوضاع و احوالی "ولی فقیه"

گونه پابندی به قانون اساسی رژیم، با آزادی مطلق برای در هم شکستن تلاش‌های نیروهایی که خواستار تأمین استقلال اقتصادی و اجرای قانون ملی کردن تجارت خارجی برای پایان بخشیدن به تسلط غارتگرانه بزرگ مالکان و کوتاه کردن دست تجار بزرگ غارتگر از راه ملی کردن تجارت خارجی و برقراری کنترل دولت بر توزیع داخلی بودند. با توسل به شیوه‌های تهمت و افترا و برچسب زدن به هر کس که مواضعشان را قبول نداشت، با زور در جهت پایمال کردن قانون ملی کردن تجارت خارجی تضمین شده در قانون اساسی رژیم عمل کردند. این اقدامات سرکوبگرانه نیروهای مذهبی راست‌گرا و قشری که مستقیماً زیر رهبری محافل حاکمه ارتجاعی انجام می‌شد. روند گسترش انقلاب میهن ما را سد کرد و در عمل میدان برای غارتگری و احتکار کلان سرمایه‌داران تجاری به طرز چشمگیر مساعد گردید.

پس از جریان طرد بنی صدر و لیبرال‌ها از حاکمیت که موجب تغییر تناسب نیروها به سود نیروهای ارتجاعی راست‌گرا در حاکمیت گردید. نیروهای ارتجاعی و روحانیون طرفدار سرمایه‌داری تجاری-صنعتی و بزرگ مالکان به سرکردگی خمینی با بدست گرفتن قدرت دولتی و قبضه کردن انحصاری حاکمیت، رژیم استبدادمذهبی قرون وسطایی را بر کشور حکمفرما ساختند و بدینسان رژیم استبدادمذهبی "ولایت فقیه"، با ادامه جنگ مخرب و سازش با کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و همدستی با دشمنان انقلاب و عمال امپریالیسم و عوامل سیا و ساواک به حزب توده ایران که خواهان خاتمه دادن به جنگ میان ایران و عراق و پایان دادن به وابستگی‌های اقتصادی به انحصارهای امپریالیستی در جهت تحکیم استقلال همه جانبه و انجام دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی به سود محرومان و زحمتکشان جامعه ما بود، یورش کرد.

در این میان دو جناح عمده در حاکمیت، یکی جناح محافظه کار خرده بورژوازی مانند گروه‌های خط امام و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دیگری جناح بورژوازی تجاری و بورژوازی بوروکراتیک، و گروه‌های پشت سر آنها مانند انحصارطلبان راست‌گرا و قشری و سازمان‌های سیاسی این جناح ضدانقلابی، هر دو با یورش به حزب توده ایران موافق بودند.

یورش به حزب توده ایران ستاد انقلابیون ایران هم با خواست و تمایل امپریالیست‌ها ارتباط داشت و هم به نبرد بر سر مسائل اقتصادی در جامعه ایران مربوط می‌شد. در واقع هدف خمینی و سران رژیم و محافل حاکمه ارتجاعی این بود که حزب توده ایران را از عرصه سیاست جامعه ایران برکنار کنند و با حفظ و نگهداری نظام سرمایه‌داری وابسته به انحصارهای امپریالیستی در ایران و ادامه وابستگی ایران به کشورهای غرب و اتخاذ یک سیاست آشکار کمونیست ستیزی و شوروی ستیزی در ایران با آمریکا و غرب کنار آیند تا مناسبات گذشته برقرار شود.

در مورد برخورد فاشیستی ارگان‌های سرکوبگر رژیم با حزب ما به گفته موسوی تبریزی، دادستان انقلاب اسلامی رژیم، ده هزار توده‌ای در شهرها و روستاهای ایران توقیف شدند. توده‌ای‌ها که خواست آنها آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود روانه زندان‌های رژیم شدند. گروهی را زیر شکنجه‌های قرون وسطایی کشتند و نظامیان توده‌ای را که در جنگ عادلانه علیه رژیم متجاوز صدام با فداکاری و از جان

در زمینه جلوگیری از صدور نفت ایران، عمال امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی یک چنین توهمی را دامن می زنند که گویا این امپریالیسم آمریکاست که سرنوشت ایران را تعیین خواهد کرد. حزب توده ایران با این نظر مخالف است و معتقد است سرنوشت ایران را مردم ایران تعیین خواهند کرد. اگر چه عامل خارجی مانند عملکرد سیاست نواستعماری امپریالیسم با در نظر گرفتن وابستگی کشور ما به انحصارهای فراملیتی، تاثیر آن در اثر فشار تحریم ها در ایجاد و تسریع روند فروپاشی رژیم دخالت دارد. ولی می توان گفت که چه بسا این تاثیر زمینه ای برای وجود آوردن یک جریان ضدانقلاب بیانجامد که در این صورت شرایط مساعدی را برای انواع مداخلات خارجی که بالقوه می تواند سرچشمه به مخاطره افتادن تمامیت ارضی کشور ما و صلح و امنیت منطقه باشد، فراهم گردد.

حزب توده ایران در این شرایط بحرانی کشور ما از همه نیروهایی که به استقلال و آزادی و ترقی ایران علاقمند می طلبد در راه ایجاد جبهه مشترک نیروهای مردمی برای براندازی رژیم "ولایت فقیه" و مبارزه علیه مداخله و تهاجم امپریالیسم آمریکا به میهن ما گام برداشته و این امر ضرور را تحقق بخشند. 1391/4/23

مبارزان توده ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق العاده ای قرار دارد. در این اوضاع متلاطم برای پیشبرد امر توده مردم در هسته های مخفی حزبی متشکل شوید.

از ایران چه خبر

چوب واقعیت بر سر روحانیون حاکم فرود آمد

هنوز چهار هفته از تحریم صدور نفت و کاهش درآمدهای ارزی رژیم نگذشته که مقامات رسمی رژیم و روحانیون حاکم از جمله خامنه ای "ولی فقیه" رژیم با مصاحبه های خود و نعل و اروونه زدن به دست و پا افتاده اند. سران رژیم و روحانیون حاکم و خود خامنه ای که تا دیروز مدافع تسلط نظام غارتگر سرمایه داری وابسته و محدود کردن بخش های دولتی و تعاونی در اقتصاد کشور بودند و به اعلام خطر حزب توده ایران پس از انقلاب در زمینه پایان دادن به وابستگی اقتصادی با زندان، شکنجه و اعدام توده ایها پاسخ دادند. اینک به علت تعمیق این وابستگی آن هم، سی سال پس از انقلاب بهمن با مسائلی چون تحریم اقتصادی و فروپاشی ناشی از کاهش درآمد از فروش نفت روبرو شده اند.

در زمینه وابستگی رژیم به درآمد نفت، خامنه ای طبق اعتراف خود: تولید ثروت از طریق منابع تمام شدنی همچون نفت را خودفروشی می خواند و می گوید: "خام فروشی دامی است که میراث سالهای متمادی قبل از انقلاب است و متأسفانه کشور گرفتار آن شده است. و باید تلاش شود که ملت ایران از این (تله) نجات پیدا کند." (سایت خامنه ای 91/5/8) به قول معروف، خرما را خورد و گفت شیرین است. آری نفت بمثابه عامل تشدید وابستگی که رژیم با آن روبروست مورد اعتراف "ولی فقیه" رژیم است. حال سوال اینجاست که آیا سران رژیم از پیامدهای

رژیم از مصونیت رژیم در برابر تحریم های اقتصادی سخن می گوید. وقتی کشور ما دچار وابستگی شدید اقتصادی به انحصارهای امپریالیستی است و تشدید بحران ژرف اجتماعی-اقتصادی و تضادهای طبقاتی در جامعه در نتیجه وابسته بودن اقتصاد کشور به اقتصاد بازار سرمایه داری و انحصارهای فراملیتی است و درآمد کشور تا حدود 70 درصد به درآمد نفت اتکا دارد. در حالی که کشور ما از علوفه دام و دانه طیور تا کالاهای مصرفی و نیمه ساخته و ماشین آلات مورد نیاز را از کشورهای رشد یافته صنعتی و خارج تامین می کند، حال با این وابستگی شدید اقتصادی کشور به انحصارهای فراملیتی و کشورهای امپریالیستی، چگونه می توان از مصونیت سخن بمیان آورد؟

اکنون تشدید فشار آمریکا و متحدانش بویژه در جهت تحریم نفت ایران است. آنها تمام کوشش خود را برای عملی کردن قطع صدور نفت بکار خواهند بست و شرایط را برای توطئه و تحمیل نظام سیاه خود به ملت ایران که جوابگوی خواست های آمریکا و همدستانش در ایران و منطقه خلیج فارس باشد آماده می سازند.

حزب توده ایران پس از انقلاب بهمن 57 برای شکوفایی اقتصاد کشور و تامین عدالت اجتماعی درباره خطر وابستگی اقتصاد کشور ما به کشورهای امپریالیستی و تسلط نظام غارتگر سرمایه داری وابسته که در واقع متوجه استقلال ملی میهن ما بود، به همه نیروهای انقلابی در میهن ما هشدار داد. این هشدار حزب ما در شهریور 1361 با انتشار کتاب "سرنوشت انقلاب در گرو نظام اجتماعی-اقتصادی جمهوری اسلامی است" در شرایط دشوار مبارزه در معرض قضاوت عموم مردم قرار گرفت. خادمین سرمایه داری ایران در حاکمیت که مناسبات گذشته را پذیرفته بودند، به اعلام خطر حزب توده ایران در زمینه پایان دادن به وابستگی اقتصادی با زندان، شکنجه و اعدام توده ای ها پاسخ دادند. با چنین روش سبعمانه و غیرانسانی بود که نقشه احیای نظام سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی گذشته در ایران امکان پذیر شد و ساختار اقتصاد تک محصولی وابسته به درآمد نفت حفظ شد.

اینک به دنبال مسئله تحریم نفت، آنهایی که راه رشد سرمایه داری وابسته را به جامعه ما تحمیل کردند، سخت به وحشت و تزلزل افتاده اند و تحریم نفت خواب راحت را از این دشمنان توده های محروم جامعه ما سلب کرده است. عناصر مذهبی قشری، محافل حاکمه ارتجاعی در راس آنها روحانیون حاکم که مدعی پیاده کردن نظام نمونه اسلامی در کشور بودند، با شکست روبرو گشتند. آنها با وجود راه خیانتی که پیمودند زیانهای جبران ناپذیری به کشور کهنسال ما و مردم میهن ما به تاریخ و فرهنگ ایران و جنبش انقلابی کشور ما زده اند.

و اما درباره تحریم نفت در مرحله ای که اکنون در آن قرار داریم، این تحریم در حالی است که رژیم هنوز دارای نیروی اقتصادی و نظامی است. ولی سرنوشت رژیم به این مسئله بستگی دارد. حزب توده ایران در مرحله کنونی به مسئله تحریم نفت و نیز کاهش درآمد رژیم از فروش نفت بمثابه شیشه عمر رژیم که به وخامت فرایند وضع در کشور ما منجر خواهد شد توجه داشته به همین سبب برای تامین عامل ذهنی در شرایط دشوار مبارزه و در این گذرگاه طوفان ضرورت سازماندهی انقلابی را در قبال تحول آتی جامعه ایران که نقش تجهیز کننده و پیش برنده مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم را داشته باشد، مطرح می کند.

یادتان رفته و آن زندگی را فراموش کرده اید، مگر قرار است برنامه همان باشد که قبلاً بوده است. وی گفت امکانات غذایی زندگی خودتان را تهیه کنید. بنا نیست که زندگی شما هر جور که قبلاً می گذشت الان هم همان طور باشد." (آفتاب 91/5/6)

با این حرف های میان تهی نمی توان از پیامدهای ناشی از بحران اقتصادی-اجتماعی رژیم که نتیجه تضادهای نظام غارتگر سرمایه داری در جامعه است و ناگزیر به از هم پاشیدن روند تجدید تولید در سطح اقتصاد کشور منجر خواهد شد جلوگیری کرد.

از محسنات "ولایت فقیه"

اصلاح طلبان در مقابل سد "ولایت فقیه" با طرح "شورای فقه" به اصطلاح شورایی کردن "ولی فقیه" را پیش کشیده اند. در این زمینه رئیسی یکی از جنایتکاران رژیم که در کشتار آزادیخواهان ایران شرکت داشته، به عنوان هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری رژیم، پاسخی صریح به طرح کنندگان "شورای فقه" می دهد که در این پاسخ می توان ماهیت واقعی استبداد "ولایت فقیه" و واهی بودن ادعای اصلاح طلبان را مبنی بر تفکیک قوا و حاکمیت قانون در رژیم دیکتاتوری "ولایت فقیه" را مشاهده کرد.

وی می گوید: "در کشوری که در راس آن ولی فقیه جامع الشرایط وجود دارد، بن بستى نداریم و در همه مسائلی که نیاز به اظهار نظر است ولی فقیه وجود دارد. حتی اگر روسای قوا نیز برداشتی از قانون داشته باشند ولی فقیه جامع الشرایط پاسخگوی همه مسائل خواهد بود." (خبرگزاری مهر 91/4/21)

نه بر مرده بر زنده باید گریست

سعیدی نماینده "ولی فقیه" در سپاه پاسداران در نماز جمعه تهران با اشاره به اهمیت سپاه و بسیج تصریح کرد: "ظهور امام زمان نیاز به 100 میلیون پاسدار و بسیجی آماده به خدمت دارد و این مسئولیت به عهده فرمانده سپاه و نماینده ولی فقیه در سپاه است." (آفتاب 91/5/6)

چنین است گوشه ای از فهم و درک روحانیون حاکم در نظام کهنه مذهبی "ولایت فقیه".

رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" ارگان تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران را در کشور پخش نمایند. پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

وابستگی نظام "نمونه اسلامی" بر درآمد نفت بی خبر بودند؟ مگر سران رژیم نبودند که وعده خودکفایی را در سایه اقتصاد اسلامی به مردم می دادند؟ آنچه که "ولی فقیه" رژیم، گرفتار شدن کشور و ملت ایران در تله می نامد، تشدید و تعمیق وابستگی اقتصادی و صنعتی کشور به انحصارهای فراملیتی و کشورهای امپریالیستی است. در واقع ادامه و تعمیق این وابستگی پس از انقلاب بهمن 57 محصول خیانت سران مرتجع رژیم و روحانیون حاکم به کشور و ملت ایران است. وقتی اقتصاد کشور ما هم از لحاظ صدور نفت و هم از لحاظ خرید محصولات کشاورزی و مواد اولیه صنایع مونتاژ داخلی و ماشین آلات وابسته به انحصارهای فراملیتی است. حال با توجه به وابستگی شدید اقتصادی کشور ما به انحصارات امپریالیستی سران رژیم و روحانیون حاکم چگونه می خواهند کشور را از دام وابستگی نجات دهند؟ پس از گذشت چهار هفته از تحریم ها، اثرات فاجعه بار آن را می توان بر اقتصاد ورشکسته کشور ملاحظه کرد. کاهش 20 درصدی درآمد ارزی طی همین یک ماه گذشته، تأثیرات عمیق خود را در همه عرصه های اقتصادی بجا گذاشته است. اتخاذ تصمیماتی در زمینه قطع ارز مسافرتی، اختصاص عمده درآمد ارزی در جهت ذخیره کردن کالاهای اساسی برای سه ماه آینده، تعطیل شدن مراکز تولیدی باقیمانده در کشور که در پیوند با تجدید تولید مراکز صنعتی غرب هستند، همگی نشان از درماندگی و استیصال سران رژیم و روحانیون حاکم در قبال تحریم هاست. علیرغم دلگرمی و اظهار نظر "ولی فقیه" رژیم در جمع مسئولان و دست اندرکاران رژیم مبنی بر عبور از "گردنه یخبندان تحریم ها"، واقعیت های سرسخت اقتصادی خلاف این موعظه را نشان می دهد. "روزنامه جمهوری اسلامی، 91/5/10"، می نویسد: "20 هزار تن پیاز به دلیل سوء مدیریت در دزفول از بین رفته است. به گزارش خبرگزاری مهر هم اکنون قیمت پیاز از کیلویی 200 تومان به 1400 تومان رسیده است. قیمت تمام شده پیاز 127 تومان است که از کشاورز به قیمت 90 تومان خریداری می شود. و یا به عنوان مشت نمونه خروار، می توان به مرغ 7000 تومانی اشاره کرد. تهرانی دبیرکل جبهه پایداری می گوید: "یک هفته مرغ نخوریم، آسمان به زمین نمی آید." (آفتاب 91/5/10)

احمدی نژاد درباره گرانی مرغ می گوید: "مسئله گرانی مرغ یک مسئله زودگذر و قابل حل است." (آفتاب 91/5/9)

در این رابطه تعرفه واردات مرغ از خارج 10 تومان و گوشت قرمز 25 تومان اعلام شد. در واقع از "دولت ملی" و "رئیس جمهور منتخب" جز این هم بر نمی آید. چون سیاست رژیم و دولت وابسته آن نیز در راستای سپردن تجارت خارجی به بخش خصوصی و پرداخت ارز به آنها برای تامین کالاهای صنعتی و کشاورزی اتخاذ می شود.

و یا در مراسم نماز جمعه مشهد، امام جمعه در توجیه سیاست رژیم در رابطه با بحران و گرانی می گوید: "مشهدی ها مگر اشکنه پیاز داغ را

Mardom promotional organ of the Tudeh party of Iran No.11 4 August 2012

آدرس سایت: www.rahehezb.blogspot.com

آدرس پست الکترونیکی: rahehezb@gmail.com